

مي آيد ...

از پشت جنگلهاي مه گرفته انبوه  
بسان امواج خروشان درياهاي بيكران  
بسان گزهاي كوير، سخت ، مقاوم

مي آيد...

از ذره ذره وجود من

وجود تو ، وجود ما

نه خسته ، نه لب بسته

بيدار مانده

به انتظار

مي آيد ...

از لطافت گلبرگهاي گل سرخ  
از فروغ كهكشان از ستاره هاي راه شيري

مي آيد

**چريكي**

با عزمي راسخ ، قدمهائي استوار  
فكري شكوفا

مي آيد

با نور

با آفتاب

با ايده هاي نو

از درون هر آن كس كه ايمان دارد به پيروزي خلقها .

به ياد و خاطره تابناك جانباختگان رستاخيز سياهگل  
\* مزدك ايراني \*

## هجراني

چه هنگام مي زيسته ام ؟  
کدام مجموعه ي پيوسته ي روزها و شبان را  
من ؟-

اگر اين آفتاب  
هم آن مشعل کال است  
بي شبنم و بي شفق  
که نخستين سحرگاه جهان را آزموده است.

چه هنگام مي زيسته ام ؟  
کدام باليدن و کاستن را  
من  
که آسمان خودم  
چتر سرم نيست ؟-

آسماني از فيروزه ي نيشابور  
با رگه هاي سبز شاخ ساران ،  
هم چون فرياد واژگون جنگلي  
در درياچه يي ،  
آزاد و رها  
هم چون آينه يي  
که تکثيرت مي کند.

بگذار  
آفتاب من  
پيرهن ام باشد

و آسمان من  
آن کهنه کرباس بي رنگ .

بگذار بر زمين خود بایستم  
بر خاكي از براده ي الماس و رعشه ي درد.

بگذار سرزمین ام را  
زیر پای خود احساس کنم  
و صدای رویش خود را بشنوم :

رپ رپه ی طبل های خون را  
در چیتگر

و نعره ی ببرهای عاشق را  
در دیلمان .

وگرنه چه هنگام می زیسته ام ؟  
کدام مجموعه ی پیوسته ی روزها و شبان را من ؟

\* احمد شاملو \*



انجمن گلهای سرخ | [www.Redflowers.blogger.com](http://www.Redflowers.blogger.com)

انجمن گلهای سرخ